فقیه از مسئولیت مبری است و حکومت با مسئولیت ملازمه دارد

حسن صدر

در کنار نوشته هفته قبل من در آبندگان ۱۰/۱۰/۵۸ مقاله مبسوط و پرمغزی از آقای شاهرخ مسکوب خواندم که در باب امکان اشتباه فقیه و مفتی از جمله امام خمینی سخن گفته بود. مطلب این مقاله ارزد نظر شایسته بحث و تحقیق بنظر میرسد.

اول ـ اینکه بنظر من مراد ازحکومت اسلامی حکومت ربانی انسانی و تعلیمات اساسی اسلام است. سرسلسله این تعلیمات توحید است، آنچه مردم جاهل و فرومانده شبه جزیره عربستان را گروهی که تعداد با سوادهاشان از انگشتان دست تجاوز نمی کرد، قادر ساخت ظرف نیم قرن اساس بر قدرت امپراطوریهای روم و ایران را فرو ریزند، اعتقاد به این امر بود که موثری در عالم وجود جز خداوست و همه بنده او و در حقوق و وظائف باهم برابرند. توحید بود که برتمام امتیازات و برتری هائی که زائیده حسب و نسب و مال و مقام بود خط بطلان کشید.

این بیمن شاعر عالیقدر قرن ششم می گوید خواجگی تو اگر بسته شان است و اورگذشت آیا شما بدوران بتپرستی برمی گردید؟

توحید به اعراب فرومانده جسان شخصیتی بخشید که قیصر و کسری را به چیزی نگرفتند. مغیرمبن شعبه نماینده خلیفه دوم در دربار یزدگرد فرش زیربت کساخ را کنار زد و روی زمین نشست و در برابر چشمان حیرت زده دربارایران گفت ما همه از خاکیم وبخاک بازخواهیم گشت.

● ● ●

دوم ـ امکان اشتباه آیت‌الله خمینی و حکامی است که‌جای ایشان یا ازطرف ایشان حکومت میکنند.

آقای‌مسکوب میگوید معصومین چهارده نفرند ـ من وارد بحث عصمت و آیات قرآن کریم درباب بخشودن گناهان انبیا نمی‌شوم زیرا این بحث پیچیده متناوب روزنامه نیست ولی قدر مسلم اینست که گذشته از معصومین هیچ انسانی مصون از خطا و اشتباه نیست.

و اما حکومت مرجع تقلید و دخالت فقیه درامور سیاسی

اولا مرجع بودن وفتوی دادن خاص مسائل مذهبی است و در این امر فتوای مراجع تقلید برای مقلدینشان مطاع ومتبع است. ثانیا چون در مذهب شیعه باید ازاعلم واتقی تقلید کرد وچون ضابطه معینی نظیر انتخاب باید نوانیکان برای مرجع تقلید وجود ندارد هرکس ازهر مجتهدی که در شرطین اعلم و اتقی بود تقلید میکند چنانکه‌در گذشته جمعی از مرحوم حاج شیخ‌عبدالکریم حایری تقلید میکردند و جماعتی مقلد مرحوم آقاسید ابوالحسن مدینی بودند.

ثالثا در زندگی سیاسی و آنچه از حوادث جاری ملی وجهانی تاثیر پذیر است صدور فتوی و فرامین خاصی از چون و چرا نمی‌تواند مطرح‌باشد زیرا نه تنها این امر با دموکراسی اصول اسلامی که درتمام مهمات مملکتی فرمان بحث و شور و کنکو داده، و با آیات کریمه ـ شاورهم فی‌الامر، و امرهم شوری بینهم، که برای یکپارچگی مسلمان ها قدر و ارزش برابر شناخته، منافات دارد، بلکه زمینه حکومت فردی و مرکز قدرت سیاسی و دینی در یک فرد را باتمام بی‌آمدهای فهری و اجتناب ناپذیرش فراهمیسازد.

بازبرای روشن‌ترشدن مطلب به سنتو کیفیت فرماندهی پیمبر اکرم (ص) و امیر ـ المومنین علی(ع) مراجعه کنیم.

درسنت پیمبر یاهمه عظمت ونبوغ‌وعقل کل بودن میگوید من بشری هستم مثل شما، درجلسه‌ای که برای شور و تصمیم گیری سیاسی و جنگی یا اصلاح امور اجتماعی تشکیل میگردد جلسه گرد است، بالا وپائین ندارد تاکسی وحتی خودش بر دیگران‌مزیت نداشته باشد.

علت منع مجسمه‌سازی در اسلام این بود که دوباره بتپرستی و شخص پرستی رواج نگیرد. فردپرستی شخصیت آدمی را حقیر میکند، بجای تکریم و تعظیم عکس و نقش و تصویر و مجسمه بزرگان باید اصولی را که آن مردان بزرگ ترویج کرده و می کنند تکریم کرد وگرنه شخص می میرد و افکرفردپرستی مانع تربیت جامعه شده باشد خلاء وجستجتکی بوجود می آید. قرآن میگوید محمد (ص) مثل دیگران می‌میرد، اگر کلاه تو بگرمابه درون خواجه بجای دگر است، ستاره و تاج وی رو شانه لشکریان و شال وکلاه مستوفیان اگر مایه حشمت و جلال بزرگان است وقتی لخت داخل حمام شوند، اما سربینه میماند و موجود بی ارزش داخل خزینه حمام است!

اسلام با رواج توحید و باطل کردن امتیازات دروغین آدمیان را در حمام‌ارزیابی کردیمنی هرکس آنقدر مبارزه که خودش و جوهر وجودیش مبارزه.

پیمبر یاهمه عظمت و نبوغ و فرستاده خدا بودن میگوید من‌بشری هستم مثل شما، در مجامع و جلساتی که برای شور وتصمیم گیری سیاسی ، جنگی یا اصلاح امور اجتماعی تشکیل میداد جلسه گرد بود بالاو پائین نداشت تا کسی وحتی خودش بر دیگران مزیت نداشته باشد.

علت منع مجسمه‌سازی در اسلام این بود که دوباره بتپرستی و شخص پرستی رواج نگیرد. فردپرستی شخصیت آدمی را حقیر میکند، بجای تکریم و تعظیم عکس و نقش و تصویر و مجسمه بزرگان باید اصولی را که آن مردان بزرگ ترویج کرده و می کنند تکریم کرد وگرنه شخص می میرد و افکرفردپرستی مانع تربیت جامعه شده باشد خلاء وجستجتکی بوجود می آید. قرآن میگوید محمد (ص) مثل دیگران می‌میرد، اگر نظر اکثریت صحابه درمشکلات سیاسی از اصول مسلم و از اختیارات آئینی است که که جهاره‌ره قرن قبل انسان را به خاطرانسان بودن حرمت میگذاشت.

علت منع مجسمه سازی در اسلام این بود که‌دوباره بتپرستی و شخص پرستی رواج نگیرد. فردپرستی و در سایه قهرمان زیستن شخصیت آدمی را میکبد. بجسای تکریم و تعظیم عکس و نقش و تصویر و مجسمه بزرگان باید اصولی را که آنمردان بزرگ ترویج کرده و میکنند تکریم وتجلیل کرد وگرنه شخص می میرد. قرآن میگوید محمد (ص) مثل دیگران میمیرد اگـر او درگذشت وآیا شما به دوران بتپرستی باز میگردید؟

قبل از زندگی سیاسی علی (ع)

ابوبکر بر مسند خلافت گفت اگر من اشتباه کردم مرا اگاه کنید مرد عربی که اسلام تربیت کرده بود با اشاره بشمشیرش گفت اگر کج رفتی با این شمشیر تو راراست میکنم.

نتیجه آنچه گفته شد اینست که فقیه حکومت نمی کند زیرا از مسئولیت مبری است ولی در مقام اجرا و نظارت ستون محکمی است کهمیتواند در نگهبانی حق و عدل ومصلحت ملت و مملکت تکیه‌گاه مهمی باشد، چنانکه فتوای مزمت استعمال تنباکو ازطرف بیتوای بزرگ شیعه مبرای شیرازی بشت استعمار بریتانیا را لرزاند و شاهقاجار و کمپانی رژی انگلیسی را وادار به عقب نشینی کرد همچنین دخالت موثر آخوند خراسانی ودیگر روحانیان مترقی در بازداشتن مشروطیت سهمی بسیار بزرگ داشت.

امیرالمومنین در مسائل سیاسی نظر اکثریت یارانش را رعایت میکرد. فراخواندن قیس‌بن سعد از ایالت بهنارو مصرازاشتباهاتی بود که امام برخلاف نظر خود به احترام و اتحاد اکثریت ـ که بغلط به قیس ظنین شده بودند ـ وباصرار از امام میخواستند، بآن تن داد.

علی (ع) اولا این مفکر و آزاد اندیشی را برای ساختن جامعه سعادتمند تا آنجا لازم میداند کهمیگوید : انجام وظائف اجتماعی اگر ناشی از حس‌مسئولیت واین حس اگر منبعث از آزادی و استقلال اراده و عمل نباشد مردم معتقد به همکاری در راه خوشبختی مشترک و ایجاد تمدن نخواهند بود و این اعتقاد به مسئولیت و آزادی و همکاری است که پایه و اساس سامان اجتماع را تشکیل میدهد.

در جنگ جمل مردی از امام پرسید آیا ممکنست طلحه و زبیر وعایشه که همه از بزرگان اسلامند برباطل آیمنی جنگ با علی همداستان شوند؟ علی (ع) گفت چنین میشاید که امر برتو مشتبه شده ایدرا بدان که حق وباطل از ترازو شرف آدمی است حق را بشناس تااهل حق را بازشناسی وباطل را بشناس تا اهل باطل را بشناسی !

طه حسین دانشمند معروف مصری می گوید من پاسخی نیکوتر از این نمیبابم که هرکس را هر اندازه پایگاه بلند باشد ازخطا معصوم نمی‌داند وحق را ویژه کسی به هر جایگاهی که باشد نمی شناسد، پس از آنکه وحی خاموش شد بهتر از این پاسخی براین پرسش نمیشود داد.

نتیجه آنچه گفته شد اینست که فقیه حکومت نمی کند زیرا از مسئولیت مبری است ولی در مقام اجرا و نظارت ستون محکمی است کهمیتواند در نگهبانی حق و عدل ومصلحت ملت و مملکت تکیه‌گاه مهمی باشد، چنانکه فتوای مزمت استعمال تنباکو ازطرف بیتوای بزرگ شیعه مبرای شیرازی بشت استعمار بریتانیا را لرزاند و شاهقاجار و کمپانی رژی انگلیسی را وادار به عقب نشینی کرد همچنین دخالت موثر آخوند خراسانی ودیگر روحانیان مترقی در بازداشتن مشروطیت سهمی بسیار بزرگ داشت.

خروشاکری

گفتن ندارد که هرکشاورزی پیرامون تکوین وابستگی نهضت کارگری ایران می‌باید ضرورتا ازفروپاشی نظام سنتی جامعه ایران، نظام پیش سرمایه‌داری عصر قاجاریه ،آغاز شود.

آغاز فروپاشی نظام سنتی ایران زامی توان‌بطور عام از اواسط دوران قاجار کهطی آن نفوذ اقتصاد استعماری شتاب‌بیشتری‌یافت. دانست . پس از عقد قرار داد بازرگانی ترکمن‌چاپ وگلستان ،وسپس قرار داد ایران انگلیس متعاقب شکست ایران درجنگ‌هرات، شرایطی به دولت مفتوح ایران تحمیل شد که موافق آنهاتولیدکنندگان وتجار ایران در وضعیت نامساعدی نسبت به رقبای خارجی ، به ویژه انگلیس‌قرار گرفتند. مثلا ،معافیت سرمایه‌داران ودلالان خارجی از پرداخت ۶ درصد مالیات راهداری ، علاوهبر ارزانی محصولات خارجی ، موجب شد که کالا های‌خارجی آهسته آهسته کالا های ایرانی‌را ازبازاربیرون رانند. فقوق کالا هاخارجی در بازار ایران طی نیمه دوم سده نوزدهم میلادی، نهتنها بازیگران ایرانی‌بل همچنین‌صنعتگران ایرانی رابه‌ویرانی‌وروزافزون‌کشاند. درحالیکه بازیگران بزرگ توانایی آنرا داشتند که‌از خریداراضی خالصه وامثالهم ، خود را ملهکه ورشکستگی نجات دهند وکهگاه ازطریق تولید محصولات کشاورزی موردنیاز صنایع استعماری همکار سرمایه‌داران خارجی شوند صنعتگاران وروستائیان ایرانی ، با از دست دادن وسایل محقر تولید خود، ازکارابیکار شده رامهاجرت‌ضریبی گیرند.

بنابر اطلاعاتیکه موردخین کسب کرده‌اند تولیدکنندگان ایرانی در اثر پدیده‌ی کنده شده دریالا مجبور بترک وطن شدند، به سوی هندوستان ، امریکای شمالی، وصدافقفقاز وآسیای مرکزی مهاجرت میکردند.

مهاجرت ایرانیان بقفقاز وآسیای‌مرکزی بیشتر از این روشدت یافت که دراین زمان سرمایه‌داری نوپای روس درحال گسترش‌سریع دراین مناطق بود و لذا نیاز روز افزون روسیه ـ داران وبانیدنگان ایشان ـ دولت روسیه ـ جنبش کارگری نیرومندی روبروشد که میرفت بامباشت های تحمیلی و استثماری آنسان مقاومتی هرچه بیشتر بنماید. بهمین دلیل وورد نیروی کار ارزان قیمت ایرانی می توانست انحصار نیرو هایکارگری‌بیشتر دراین مناطق راشکسته ، سطح دستمزد ها را به حداقل‌ممکن تقلیل دهد.بنابرآمار استخراجی موخین شوروی ازآرشیو ها پیرویسه نزاری از سال ۱۸۴۵ بعبد هزاران مهاجر ایرانی با پای پیاده از نقاط شمالی ایران، گامهتا از نقاط جنوبی ایران ،بسوی مناطق شمال مرزهای کشور کوچ‌میکردند.موانق‌بخشنامه هایی که ازحکام دولتی این مناطق بجامانده‌است ، دولت‌روسیه چنین مهاجرتها راحتا تشویق نیز میکردهاست بطور مثال میتوان‌ایدآور شدازشهر تبریز درسال ۱۸۹۱ نزدیک به ۲۷ هزار ویزا برای مهاجران ایرانی صادرشد ـ همین رقم درسال ۱۹۰۳ به ۳۲ هزار بالغ شد وبکسال بعد درتمام ایران بیش ازاز ۷۱ هزار ویزای مهاجرت برای ایرانیان صادرگردید. افزون برایران بایدیادآور شد که بسیاری بدون‌اجازه‌رسمی‌دولت هزاری از روی استیصال ، بطور غیرقانونی از مرز میگذشتند ولذا درشرایط بهتری استخدام می شدند. گفتنی است که تعداد روستائیان بیشتر بود لذا کارگران غیر مهاجر اکثریت نعهم مهاجران را تشکیل میدادند.

این کارگران ناچار دربدترین وسخترین اوضاع و احوال استخدام میشدند. حاکم شهر گنجه(الیزابتپول) در گزارشی‌نوشت:شعبه‌ایران فقیری است که درکشور خودش‌بدست دولتش غارت شده ، صبح مطمئن‌نیست که شب‌اش را درکجا صبح خواهد کرد، وصبح مطمئن نیست که درطول روزکتانش رابدست خواهد آورد یانه. کارگران فقیر فلاکت زده‌ایرانی را در قفقاز «مبشوری» می‌نامیدند ، و این واژه درآن زمان ، بنابرقول مورخین شوروی معادل‌حیوان بود، زیرا وضع زندگی کارگران مهاجر ایرانی بهتر از وضع حیو انات‌نبود.

کارگران مهاجر ایرانی بنابر حرفه‌ای که داشتند به دسته های زیرتقسیم میشوند: ۱ـ فعله (کارگرکشاورزی). ۲ـ رنجبر (کارگر غیرمهاجری که مزد خود را به جنس میگرفت)

● کارگران ایران درجنبش انقلابی مشروطه جنگیدند، و جان‌دادنداماسهمی درپیروزی بدست نیاوردند.

۳ـ حمال یا حمبال (کارگران بارکش دریاها در، یارانداز هاوغیره) ۴ـ امزدور (کارگران‌صنعتی کارخانه ها).

وضع رفت‌وبازوندگی‌بخورنمیرد. ایرانیان مهاجر که پس از طی صد ها کیلو متر به پای پیاده می بایست‌از دستزنج ناچیز خود حتا تکفانی هم پس‌انداز کنند و برای خانواده چشمبراه خودبرسانند، طوری بود که به هر کاری تحت هر اوضاع و احوالی تن میدادند لذا مورد سوء استفاده کار فرمایان قرارمی گرفتند. ازجمله ازکارگران ایرانی بهنگام استخدام می خواستند بقرآن قسم بخورندکه بعضویت هیچ اتحادیه‌کارگری در نخواهندآمد.

پس، از کارگران ایرانی توقع میرفت که‌نه تنها درانعتصابات کارگری این مناطق شرکت نکنند بل‌همچنین بعنوان اعتصاب شکن علیه برادران غیر ایرانی خود وارد عمل شوند.بنابر مثالهایکه یکی از فعالین حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه در اوایل سده کنونی تحت عنوان «دوآدت‌ایرانی بازارکاردریاکو» نوشت ارتش بیگانانی که وضعیت اقتصادی‌کارگران باکو را تهدید میکند عبدتا از کارگران مهاجر ایرانی تشکیل شده‌است. وی می‌افزاید که‌ایران نه‌تنهابه سازمانده‌ایمی‌چیوو یمی‌آورند، بلکه از نظر آگاهی نیز درسطح نازلی قراردارند.دربست همین مشکل بود کهسوسیال‌دموکراتهای قفقازی رایران داشت تابیکار سیاسی درمیان کارگران ایرانی بپردازند.

آزمیس جابود که نخستین نطفه های اتحادیه کارگری‌ایران‌وسپس سوسیال‌دمکراسی (اجتماعیون ـعامیون) ایران بسته شد، گفتن دارد که نخستین سازمانی که به تبلیغ در میان ایرانیان آگاه درقفقاز پرداخت همان سازمان «همت» بودکه برخی از ایرانیانی که سوسیال دمکراتهای ایران را بوجود آوردند، دردروان پرورش سیاسی یافتند.

سوسیال دمکراتهای ایرانی ، سپس با توجه به اوضاع و احوال فرهنگی حاکم در ایران اقدام بتاسیس سازمان مجاهدین‌کردند که‌امتیازات ویژه‌ی درشهر های‌شمال ومرکزی ایران داشت.

نقشی که کارگران ایران در جنبش انقلاب مشروطه ایفاکردند ، شایبماندازنکاتی مورد تاکید قرار نگرفته است. دراینجا همینقدر کافیست گفته شود کهبدون شرکت موثرسازمان سیاسی ـنظامی سوسیال دمکراتها ومجاهدین مرکز مشروطه برخلاف برنظامیات دست‌پرورده روس که زیر فرمان‌محمدعلیشاه قرار داشتند چیره نمیشدند. همان کارگرانیکه چندی پیش ازآن بابای پیاده برای تکفانی بقفقاز رفته بودند ودرای ادامه حیات مادون‌بشری به هر کاری ، حتا اعتصاب شکنی‌علیه رفقای‌کارگر خود در قفقاز تن درمیدادند ، حال با آگاهی سیاسی ، مسلح به تفنگ وبمب ، وعالانه علیه دولتمدانی که فقد وبمبه‌وزری میلیونها ایرانی رامجوب شده بودند میرزمیدند.

● اعتصاب‌سال۱۳۰۸ کارگران نفت‌ازطرف انگلیسی ها به «تحریکات اتحاد شوروی» نسبت داده شد.

کارگران ایرانی که از هستی ساقط شده بودند، درجنبش انقلابی مشروطه جنگیدند . جان دادند اما به دلایل گوناگون وبویژه به دلیل اینکه در رهبری سیاسی جنبش انقلابی نقشی تعیین کننده نداشتند ، سهمی درپیروزی بدست نیاوردند. در فردای پیروزی انقلابیون فرصت طلبان چنگال مخوف خود را برهمه اهرم های قدرت افکندند . کارگران را درمیان اوضاع واحوال تکبتبارکشته‌هایی نکهداشتند، وانقلاب شکست خورد.این راهم نبایدناگفته گذارده عایرغم اینکه صنایع داخلی نتو انسته بود در اثر عدم توانایی در رقابت بالاکالاهای خارجی جان بگیرد، برخی کارخانه ها همچنان بهمیات خود ادامه میدادند دراین کارخانه‌های کوچک، باکارگاهها ، کارگران ازسطح آگاهی بالاتر برخوردار نبودند . با این همه برخی‌از کارگران وکارکنان خدمات انقلابی مشروطه شکست جستند و ازآن جمله‌اندکارگران مطابع که باتشکل نخستین اتحادیه کارگران در داخل ایران طلیعه‌داران نهضت‌کارگری در ایران شدند. درکنار کارگران مطابع (چاپخانه ها) باید ازکارکنان مثلا پست وتلگراف نیزیاد کرد که با اعتصاب خود شریه‌ای هرچند کوچک ، به رژیم فاسد قاجار وارد ساختند.

● درروسیه تزاری کارفرمایان ازکارگران‌ایرانی‌می‌خواستند به قرآن قسم بخورندکه به عضویت‌هیچ اتحادیه‌کارگری درنیایند.

از همان زمان جنبش انقلابی مشروطه خواستهای منفی کارگران ،که‌در وضع غیر قابل تحملی زندگی میکردند فراموش نمیشد بطوریکه یکی از سوسیال‌دمکراتهای قفقازیکه درآن زمان برای شرکت درجنبش انقلابی به ایران آمده بود ، طی نامه‌ای به پلخانف ،پدر مارکسیسم روسیه نوشت ،«کارگران ۳ کارگاه دباغی تبریز برای تحقق خواستهای صنفی خود وارد اعتصاب شده‌اند این کارگران که تعدادشان ۱۶۵ نفر بود مورد حمایت‌سوسیال سکراتها قرارگرفتند» خواستهای کارگران بشرح زیربود :

۱ـ اضافه دستمزد به مبلغ یک شاهی ونیم یک‌ازده پوست.

۲ـ استخدام واخراج کارگران وشاگردان کارگاه با توافق کارگران .

۳ـ تامین شرایط بهداشتی .

۴ـ پرداخت مخارج بیماری توسطکارفرما

۵ـ پرداخت ۵۰ درصد از دستمزدبهنگام بیماری

۶ـ تقلیل اضافه‌کار

۷ـ پرداخت دوبرابر دستمزد بابت اضافه‌کار.

۸ـ عدم استفاده از اعتصاب‌شکن‌بهنگام اعتصاب کارگران .

۹ـ پرداخت‌دستمزد بهنگام اعتصاب.

۱۰ـ عدم اخراج کارگران بعلت شرکت دراعتصاب .

این اعتصاب که‌در۲۸ ماه اکتبر ۱۹۰۸ آغاز شده بود ، بنابر گزارشی که به پلخانف فرستاده شده پس از ۳ روز با موفقیتی نسبی به پایان رسید . خواستهای شماره ۱، ۹ و ۱۰ کارگران برآورده شد. کارگران برای اولین بار طعم اتحاد واتفاق خود را چشیدند و دانستند که دربایه وحدتعمل خودمی توانند مجبوربه قبول خواستهای حقه خود کنند. امامکشت جنبش انقلابی مشروطه وتامین‌سلطه مجدد مونجعین ، رشد وگسترش نهضت سندیکائی ایران را کاهی داد. تنها باتصدیر بحران سیاسی ـ اقتصادی بسرانجنگ جهانی اول بود که باردیگر کارگران پلخانفه بسته مبارزه اعتصابی زدند، باطرح خواست‌هشت ساعت کار در روز درزمان‌صدارت وثوق‌الدوله دولت وکارفرمایان را مجبور به عقب‌نشینی کردند .پیروزی کارگران پلخانفه با موجهات تشویق دیگر کارگران ایران را، حداقل درشمال کشور فراهم آورد. علاوه براین گفتنی است که بحران سیاسی ـ اقتصادی جهان‌تاثیرات خود را در میان‌ایرانیان مقیم قفقاز و آسیای مرکزی نیز گذاشته بود .

انقلابی نوین عناصر سوسیال دمکراسی ایران، باتشکل حزب عدالت در سال۱۹۱۶در باکو ، نطفه تشکل حزب کمونیست ایران را بسته بودند. بالا گرفتن امواج انقلاب درشمال ایران ،بویژه در گیلان،انقلابیون ایرانی‌مهاجر رابسوی‌ایران‌کشاند. از سوی دیگر تاثیرات انقلاب اکتبر در ایران چنان بود که حتاقشرار کبرکارگری نیز در اوضاع واحوال بحرانی کشوربه انقلاب کشیده شده بودند وزمینه مساعدی برای‌فعالیت‌انقلابی ها درمیان تمام اقشار وطبقات ضد امپریالیسم فراهم آمده بود. درشمال ایران، کارگران ایرانی دست به تشکیل اتحادیه های کارگری زدند. با اینکه تعداد کارگرانهای ایران ناچیز بود و اتحادکارگران ایرانی به بیش ازهزاران نفردر هر رشته‌ای بالغ نمیشد. با این همه اتحادیه های صنفی در دهان سال های اولیس ازانقلاب اکتبر تشکیل شد. شورای اتحادیه های تهران که کارگران چاپخانه ها، خبازی ها، تلگرافچی‌ها ،کارگران کتاف ، خیاط و برق بافت رامتحد میکرد، در۱۹۲۰ تشکیل شد که تعرانشان بنابرقوه ارائه شده از جانب سلطانزاده به ۱۰ هزاربالغ میگردید.بنابر گزارشی دیگر ، وضع تهدیدآمیز بحدی رفت که کارگران (بدینتر) داد اتحادیه‌های کارگری با اینکه تازه تشکل شده‌اندطی شماه آخر سال ۱۹۲۱ به چند اعتصاب موفقیت آمیز دست زدند ، نظیر اعتصاب کارگران نانوائی های تهران ،کارگران چاپخانه ها، سقط فروشها، کارگران وکارمندان پست (تهران) وکارگران پست در انزلی وغیره.تمام این اعتصابات جنبه صرفا اقتصادی داشت . نقط اعتصاب معلمان مدارس ملی در ژانویه ۱۹۲۲ (بهمن۱۳۰۱) که ۲۱ روزطول کشید سرانجامبصورت تظاهرات سیاسی درآمد و موجب سقوط کابینه قوام السلطنه گشت . بدین ترتیب اتحادیه های صنفی رفته رفته نقش چشمگیری در صحنه سیاسی ایران بازی میکنند(۱) اتحادیه های کارگری درشهر های دیگر ایران نیز بوجود آمدند، کارگران شهر های رشت ، بندرانزلی تبریز متحد شوند و درسال ۱۹۲۲ ،بنابرقول سلطانزاده وسیله مصدومدکان درحدود ۲۰هزار کارگر ایرانی درداخل‌ایران درچارچوب‌شرایط بهمالیات مشغول بودند.

فعالیت روز افزون سندیکای کارگری در ایران طبیعتا خشم هیات حاکم ایران زاده سرکردگی رضاخان ، سردارسپه برمی‌انگیخت تسلط هرچه بیشتر حکومت دیکتاتوری رضاخان باسرکوب مداوم اتحادیه های کارگری و دیگر سازمانهای اجتماعی مترقی همزمانبر هماهنگ بود. رضاخان‌برای تامین‌سلطه بلامنازع‌خویش مجبور بود با تکیه به ارتش ضد انقلابی خود سخت تبرین فشار را بر مترقی‌ترین نیروهای اجتماعی کهسندیکا هاازمهمترین آنها بودند، وارد آورد. اماعلیرغم این فشار هاکارگران ایرانی تاحد ممکن به مبارزه خود حمائتشکل‌ترین علنی ومخفی ادامه دادند.

از همان سال اول تشکیل شورای‌اتحادیه های کارگران تهران که تحت رهبری سیدمحمد یعقان ناشر روزنامه «حقیقت» قرار داشت . فعالیت برای سازماندهی وسیعترین توده های کارگری ایران که در صنعت نفت جنوب متمرکز بودند آغاز شد.

● جنبش کارگری ایران در عمرهشتاد ساله خود سهم بسیار درمبارزات‌ضد امپریالیستی، ضد ارتجاعی مردم ایران داشته است

اعتصاب را بهتحریکات «اتحاد شوروی»نسبت داد، امری که همواره میتمسک دولتهای ضد کارگری است ! دراین اعتصاب ۴۵ تـن از کوشندگان سندیکای دستکبر وزندانی شوند ، این کارگران طبق معمول ازخانه شهربانی‌رکن ۲ ارتش‌وکارآگاهی رضاخانی متهم به شرکت دریک «توطئه‌بلشویکی» شدند.

اماچنین سرکوبی وحتا ضعف اساسی سندیکای کارگری نفت که مخفیانه عمل میکرد مانع ازآن نشد که فعالیت ادامه یابد.

فعالین‌سندیکایی ایران‌به‌دیگرشهر های ایران نیز روی‌آورده بودند ، از اینی جمله بودفعالیت ایشان‌برای اعتصاب‌کارخانه‌کازوئی «وطن» در اصفهان .پس از مدتها کارسپاسی وسندیکا دربین کارگران ایران سرانجام روز اول ماهمه ۱۳۱۰ کارگران این کارخانه درچهارپای اصفهان روز بین‌المللی کارگر را جشن‌گرفتند، درهمین روزبحث‌مفصلی دربین کارگران‌پیرامون لزوم‌اندامبیک‌اعتصاب‌بمنظوربهبود بخشیدن به وضع‌کارگری صورتگرفت. کارگران‌پس‌از تنظیم خواستهای خود، روز چهارم ماهمه(۱۵ اردیبهشت) رابرای آغاز اعتصاب تعیین‌کردند. اعتصاب شروع شد. پلیس بلافاصله‌دراز همل گردید و۲۵ تن از مخالفین و رهبران اعتصاب را دستکیر ،زندانی ونبعید کرد امابا این همه‌کارگران توانستند به برخی‌از خواستها خود دست یابند. این خواستهاعبارت بودنداز:

۱ـ آزادی تشکل سندیکایی

۲ـ تغییر دستمزد از کارمزدی بماهیانه

۳ـ هشت ساعت کار روزانه وحداقل دستمزد ۵ ریال

۴ـ تیمروز استراحت اضافه برجمعه‌ها

۵ـ لغو مقررات کنترل‌بیمتام ورود به کارخانه

۶ـ لغو مقررات جریمه وتنبیه بدنی کارگران ازطرف کارفرما

۷ـ جبران مخارج بیماری‌وپرداخت‌مدیه بدنی وارده درسرکار

۸ـ پرداخت کلیه مخارج بیماری

۹ـ تعطیل کارخانه در روز های تعطیل رسمی کشور

۱۰ـ پرداخت دوبرابر مزدبرای ساعات اضافه‌کار

۱۱ـ حداکثر روزکار ۱۰ ساعته (با اضافه‌کار)

۱۲ـ تامین وسایل وامکانات بهداشتی درکارخانه

● به نقشی که کارگران ایران در جنبش انقلابی مشروطه ایفا کردند به‌قدرکافی تاکید نشده.

۱۳ـ پرداخت‌تنظیم وبیرون وقفه دستمزد.

رهبری این اعتصاب با کارگرفعال و مترقی سید محمداسماعیلی معروف به‌سید محمدتنها، بود که دراین اعتصاب دستکبر شد وپس از هفت سال دزدزدن قصر شهید گردید. یاران دیگر وبدر سال های حکومت سرکوب رضاخانی عبارت بودند ازعلی شرقی، محمدآذایی وبدورحستی که همگی در عنفوان جوانی به بهشت کارگری جلبه شده وطی سال ها مبارزبه رهبری آن‌سپرده بودند. وسرانجام مرسه در زندان های رضاخان بقتل رسیدند. از دیگر رهبران جنبش کارگری دراین سالها باید ازسیدقاسم‌حجازی جوان کارگرچاپخانه یادکرد که درسال ۱۹۲۸ درکنگره بین‌الملل کارگری شرکت نمود ودربازگشت به‌ایران دربندرانزلی دستگیر و درزیر شکنجه به‌قتل رسید. از دیگر فعالین جنبش سندیکایی ایران سیفی (رضاغلام علیزاده) بود که درکنگره چهارم بین‌الملل سرخ شرکت داشت وپس از تشریح وضع کارگران ایران نطق خود را شرح زیرختم کرد:

«بنظر من میرسد که درنژهای کنگره وضع کشور ما بنحو مستعمره وخردوزنده‌ای بسیارکم پرداخته شده است . اتحادیه های کارگری درایتجا بسیارکم تجربه‌اند. باید به اینها از همه جانب کمک رساند ... مابه برنامه نیازمندیم... ماهیچ دستورالعملی را اختیار نداریم اتحادیه های کارگری نتوانند دانند کهچگونه باید از منافع کارگران دفاع کرد، بلکه همچنین نمیدانند چگونه کارگران باید سازمان داد لذا باید به این جنبه فعالیت ها توجه بیشتری مبذول داشت وکشور های مورد بحث را درتشکل اتحادیه های کارگری ازطریق برنامه و سازمان موردحمایت قرارداد...» (۴)

آنچه سیفی درکنگره چهارم بین‌الملل کارگری سرخ میگفت بیان وضع واقعی‌کارگران ایران بود که درکشوری مبارزه میکردند ، درینجا صنعت نقش ناچیزی در اقتصادش داشت تعدادکارگران اندک بود، فشار و اختناق پلیسی هرگونه اعتراضی را درنطفه خفه می کرد وعلاوه براینها جنبش کارگری جوان ازتجربه زیادی برخوردار نبود.

همین اوضاع واحوال‌بود که «قانون» مبا ۱۲۱۰ (قانون مصوب مجلس فرمایشی پهلوی برای سرکوب‌مفسدین‌علیه‌امنیت کشور)وسیله قانونی سرکوب تمام نیروهای مترقی‌ازجامعه فراهم آورد وسندیکا های کارگری نیز مشمول همین قانون شوند. زندانها از فعالین سندیکایی پرشد، بسیاری ازآنان درالو وشیخ‌الاسلام شکنجه های هنانسانی درزندان دیگر جان روی آزادی راتبدیدند.

پس‌ازشهریور ۱۳۲۰و فرار رضاخان ایران فعالیت های سندیکایی در ایران سرگرفته شد. اما متاسفانه بعلت عدم مطالعه کیفیو ها وتجربیات مثبت ومنفی گذشته،جنبش سندیکایی پس از شهریور ۲۰ بازمیبایست دوران طولانیی از ازسرمیگذراند. آزادی‌ها نسبی آن دوران به رشدکمی اتحادیه های کارگری کمک فراوان نمود. اولین جشن ها مه درسال۱۳۲۴ خورشیدی‌درتهران وشهرستان ها با عظمت زیادی برگزار شد. اتحادیه های پراکنده وکارگری درهماهنگی در شورای‌متحد مرکزی کارگران ایران کردهم آمدند. فشار روزافزون اعتصابی کارگران که بویژه در دوران سخت جنگ بیش از فرطیف اجتماعی بار سنگینی‌بردوش‌داشتیم در ایران رابوجود داشتند ، طبقه حاکمه ایران را برمیانگیخت اندراخت. ایران‌درزیرفشار وابسته‌کارگری‌دولت کارگری‌وانگلستان، درتهران که معتقد به اتحاد یک سلسله رفرمهای اجتماعی بود اولین قانون کاراییران را به‌تصویب رسانند اما این قانونی‌دید که تامین کننده منافع‌آنی کارگران در آن زمان باشد، مبارزه همچنان ادامه می یافت ، وتهتنها درجهت تامین منافع صنفی‌طبقه کارگران،بل‌همچنین بمنظور جلوگیری ازتجاوز آزادیهای دمکراتیک در جامعه،ارتجاع بمنظور سرکوب فکری کار کارگران درکنار سرکوب پلیسی ، دشت به مانور تازه‌ای زد وبااجبار سندیکاهای «زرد» تحت رهبری کارگران ایران سابقه‌ای‌چون مهندس خسروهدایت‌و مهندس شریف‌امامی ،کوشید کارگران ایران را از مبارزه جدی بازدارد، دراین دوران علیرغم سیاست های نادرست رهبری حزب توده که جنبش کارگری ایران را وسیله خود قرارداده بود، کارگران ایران به دست‌آورد های زیادی نائل شدند. پس ازکودتای ۲۸ مرداد وسرکوب هنیرو‌ها وکرو‌های مترقی جنبش سندیکایی ایران نیز دچار دچار آهیماشیدگی شد. اما مبارزات پراکنده کارگران ایران همچنان ادامه یافتنداز‌صنوانهای‌سال گذشته‌رشدو انکشاف خودنقش تعیین کننده‌ای درسونگونی رژیم کارگری پهلوی ایفا کرد.

جنبش کارگری ایران که نطفه های اصلی آن نخست درخارج مرز های ایران درکارخانه های نفت ماکو بسته شد درطول عمرنزدیک به ۸۰ سال خود سهم مهمی در مبارزات ضد امپریالیستی ـ ضد ارتجاعی مردم ایران‌ایفا کرده‌است . این جنبش بضعیف ها وکمبودهای زیادی نیز دچار بوده است. از آن جمله‌اند عدم تداوم سازمانی آن که به‌شکست مانع انکشاف کیفی آن تا آنحدمرکه نتوانسته‌است نیروی نهضت ضد امپریالیستی را بسیج‌کند واین آمرخودناشی ازسرکوب مداو میباشد. آن بدست حکومت جیار پهلوی بوده است. تجربیات تلخ‌وشیرین نسلهای پیشین کارگری ایران به‌منظورای بعدی وکنونی مثلثی نشده‌اند باکاملا و بنحوی موثر انتقال نیافته‌اند. مطالعه جدی در جزئیات تجربیات گذشته و چنین شناخت همه‌جانبه‌تجربه جنبش جوان کارگری ، دست آورد ها وشکست های آن میتواند بهجنبش نوین کارگری ایران امکان‌کیفی‌تازه ببخشد.

۱ـ اسناد جنبش کارگری ... کمونیست ایران(جلدچهارم‌ص ۱۰۱)(انتشارات‌خاور،انتشارات علم (تهران